

اجزایی تعزیه از نظر موسیقی، اجرا، طراحی و متون هستیم. اما بعدتر در دوره پهلوی اول، با ممنوعیت، تعزیه دچار نزول شد و خیلی چیزها را از دست داد. هم اکنون نیز دیگر بسیاری از متون و مجالس اجرایی شونند و فقط بخش مناسبی آن در دهه محرم به واسطه اعتقادی بودنش حفظ شده است و دیگر خبری از شکوهی نیست که هنر تعزیه در زمان تکیه دولت داشت. به همین ترتیب شاهدیم که مجالس کوتاه تر و تدارکات آن نیز کمتر شده است. به همین دلیل اگر امروز تعزیه‌ای را به بهترین شکل هم ببینیم، در مقایسه با آن دوران در نزول هستیم و اگر تعزیه بخواید به دوره اوج خود برگردد، باید حمایت تمام قدی داشته باشد. ضمن آنکه تعزیه امروز، رقیبایی مانند سینما، تلویزیون و تئاتر نیز دارد. احیای تعزیه نیاز به بنیاد تعزیه دارد.

بنیادی پژوهشی که بتواند با هدایت علاقه‌های فردی که در این زمینه وجود دارد، انسجام بیابد. شاید تنها پس از آن ما بتوانیم شاهد تعزیه‌ای باشیم که به طور کامل و با همان متون قدیمی اجرا می‌شود. در این میان اگر بخواهیم تعزیه را با شرایط و نیازهای معاصر امروز احیا کنیم باید تغییراتی در متون و شکل آن به وجود بیاوریم اما باید این نکته را در نظر گرفت که در احیا باید شکل اصیل حفظ شود و با بهره‌گیری از صاحب نظران و کارشناسان تعزیه و حفظ قرار دادهای اصیل آن تغییرات صورت پذیرد. مانند تئاتر کابوکی در ژاپن که در دوره جدید با عنوان شین کابوکی در همان قالب اجرا می‌شود. با این حال شاهدیم که به تازگی از قالب تعزیه در تئاتر و سایر هنرهای دیگر استفاده می‌شود. این مسئله ایرادی ندارد اما نمی‌توانیم اسمش را تعزیه یا شبیه خوانی بگذاریم. مثلاً کاری که آقای بهرام بیضایی انجام دادند، نوشتن یک متن تئاتری با الهام از تعزیه بود.

قدمعلی سرامی (نویسنده - پژوهشگر):

نسلی جامانده از اقتصاد؛ گرفتار در فضای مجازی!

در ابتدا اگر بخواهیم به ریشه تعزیه در ایران بیردازیم، باید بدانیم که در ایران باستان مفاهیمی مانند شهید و شهادت وجود داشته است. همان طور که سیاوش ایرانی یک شهید بود و هر ساله برای او مراسمی آیینی و نمایشی می‌گرفتند. در واقع بعد از حمله اعراب به ایران، و مسلمان شدن ایرانیان و در دوره صفوی نمایش‌های مذهبی هم رشد می‌کنند و نمایش‌هایی با مضمون عاشورا، سیدالشهدا و امام حسین (ع) شکل می‌گیرند. در سال‌های اخیر با پیشرفت تکنولوژی و آشنایی نسل نو با دیجیتال، شاهد هستیم که نسل جدید بیشتر وقت خود را با موبایل سپری می‌کند. وسایل دیجیتال این نسل را در اقصی نقاط جهان به عوالمی وصل می‌کند که در وسعت آن دیگر تقیدات مذهبی و غیره کم‌رنگ هستند. البته من معتقدم که هنر تعزیه یک هنر مردمی است اما گاه گاهی حکومت نیز با آن مساعدت کرده است مانند دوره شکوفایی تعزیه در تکیه دولت، که حکومت متولی و بانی آن بوده است. در این میان نباید وضع اقتصادی مردم را نادیده گرفت. مشکلات اقتصادی در دوره‌های مختلف وجود داشته اما، پس از عهد شکنی ترامپ در برجام، این مشکلات به شکلی آسیب‌زاتر خود را نشان داده‌اند. که نتایج آن در همه افراد و سطوح جامعه اعم از فرهنگی و غیر فرهنگی عیان است، یکی از این آسیب‌ها نیز دامنگیر سنت‌های، اصیل جامعه مسلمان ایرانی شده است.

داوود فتحعلی بیگی (پژوهشگر و کارگردان نمایش ایرانی):

نوآوری در تعزیه خرابکاری است

تعزیه همچنان در ایران در حال اجرا شدن است. اما اگر قلمرو و هنر نمایش امروز از آن کم بهره است یک بخشی از آن به این دلیل است که افراد مطالعه روی این مسئله ندارند و دانش ساختار نمایشی تعزیه را نمی‌دانند. با این وجود شاهدیم که تعزیه که بخشی از آن مبتنی بر تاریخ مذهب و شیعه هست حداقل در دهه اول محرم و صفر در اقصی نقاط ایران اجرا می‌شود. در تهران هم تعزیه‌هایی اجرا می‌شود اما متأسفانه دیگر شور و حال تکاپای قدیم را ندارد.

شهرداری و اداره ارشاد بانی برخی از این تعزیه‌ها بودند. اما اگر قرار بر اجرای تعزیه خوب باشد، نیاز به سرمایه‌گذاری و حداقل ۶ ماه زمان برای آمادگی است. منتها چون بعضی نهادها با فکر مناسبی به سراغ این موضوعات و مضامین می‌آیند این زمان‌بندی را در نظر نمی‌گیرند. در بعضی جاها خصوصاً روستاها تعزیه به همان شکل اصیل و قدیمی خود حفظ شده و با همان قراردادهای سنتی و اصیل اجرا می‌شود.

برای خود بنده دیدن تعزیه در تفرش بسیار دلنشین‌تر است

تا بخواهم تعزیه را در محوطه تئاتر شهر ببینم. چرا که معماری و فضای حال و هوای تعزیه در این روستاها حفظ شده است. حال آنکه در جلوی تالار وحدت تعزیه‌ای اجرا می‌شود که هیچ ارتباطی با فضا سازی و معماری تعزیه خوانی ندارد. به طور کلی تعزیه در فضای باز و گله‌گشاد هیچ تمرکزی را برای تعزیه خوان و تماشاگر به وجود نمی‌آورد.

به طور کلی نوآوری در نمایش آیینی معنا ندارد و نوآوری کردن خراب کردن تعزیه است. مثلاً قبای جلوی باز تعزیه مبنای قرار دادهای حرکتی و بدنی شبیه خوان در تعزیه است. وقتی گروهی لباس عربی سرتاسر بسته را به شبیه خوان می‌پوشاند، مسلماً شبیه خوان او نمی‌تواند قرار دادهای حرکتی مانند دامن همت به کمر زدن، که به نشانه آماده رزم شدن است را نشان دهد! این حرکات همه از کنایات رفتاری برگرفته شده است و در تعزیه به عنوان یک اصول حرکتی جانمایی شده است. حالا فرض کنید که همین تعزیه خوان با قبای جلو بسته می‌خواهد سوار اسب شود! این نوع نوآوری‌ها بیشتر خرابکاری است همینطور اختلاط در رنگ‌ها هم به همین شکل، وقتی در تعزیه مینا بر این قرار است که اشقیای خوان با لباس قرمز بیاید، این رنگ قرمز از آیه‌ای در قرآن برگرفته شده است؛ که لباس اهل جهنم را با شراره‌ای از آتش توصیف کرده است و در تعزیه به رنگ قرمز در آمده است، اما شاهد بودم که اشقیای خوانی در تعزیه با لباس سیاه آمده بود، در حالی که اشقیای خوان که عزادار امام حسین نیست! همینطور اهل بهشت در قرآن بالباسی از حریر سبز توصیف شده است. بنیانگذاران تعزیه با نشانه‌شناسی رنگ‌هایی را برگرفته از کتب و مستندات این متون نمایشی فراهم آوردند، پس گونه اختلاط در این متون، بدون دانش از قراردادهای خرابکاری است.

یک کارشناس تعزیه:

میراث فرهنگی باید پاسخگو باشد، که نیست

یک کارشناس تعزیه که ترجیح داد نامی از او در این چالش برده نشود گفت: من ترجیح می‌دهم در این باره حرف نزدم چرا که در این باره حرف‌های زیادی گفته شده است و توجه نشده است در یک کلام آموزش وجود ندارد یعنی مرکزی به نام آموزش تعزیه وجود ندارد. گیاه برای رشد و نمو نیاز به نگهداری و توجه دارد، متأسفانه تعزیه هم مثل بقیه چیزها رها شده است. برخی فکر می‌کنند که این هنر قدیمی است و باید مدرنش کنند!! اما سوالی که می‌تواند ما را به مسیر درست هدایت کند این است که از جناب ضرامی به عنوان رئیس سازمان میراث فرهنگی و هنری ایران بپرسید: اگر تعزیه به عنوان یک میراث فرهنگی و هنری ثبت ملی گردیده است چگونه این هنر را حفظ و نگهداری کرده‌اید؟ به نظر من در این باره میراث فرهنگی باید پاسخگو باشد، که نیست.

محسن هاشمی (تعزیه خوان):

از عناوین جهان، تعزیه خوان ما را بس

تعزیه مانا است، علی‌رغم تصور عامه مردم و بی‌مهری‌هایی که این هنر در طول تاریخ و در دوره‌های مختلف دیده است تعزیه مسیر خود را طی کرده و ماندگار باقی مانده است. اگر تمام حجم‌ها، فشارها و نامایماتی که بر تعزیه وارد شده است به هر هنر دیگری وارد می‌شد از بین می‌رفت. اما به لطف اربابان امام حسین این هنر خود را تا به امروز حفظ کرده است. زیرا این هنر صاحب دارد و صاحب آن امام حسین و ائمه اطهار هستند. یکی از دلایل ماندگاری تعزیه به خاطر جنبه‌های اعتقادی و سوگواری منطقی و هنری است که در دل خود دارد. صاحب تعزیه؛ ائمه اطهار نظر و لطف خود را از این مراسم دریغ نکرده‌اند. از دوره‌ای که تعزیه قدغن بوده تا دوره پهلوی اول و بقیه دوران‌ها که حمایت‌ها مدام با رویکردهای متفاوتی بوده است با همه این مشکلات باز هم تعزیه مسیر خود را در تاریخ تا به امروز ادامه داده است. اما از وجه دیگر که جنبه هنری آن است، اگر به این مراسم نگاه کنیم می‌بینیم که آئین نمایشی تلفیقی از همه هنرهای ایرانی و هنری فاخر از شعر و ادبیات، موسیقی، رنگ و حرکت و نمایش بوده است. به طوری که اگر هر کس یک بار تعزیه خوب ببیند این مراسم را از یاد نخواهد برد و همیشه پای آن خواهد نشست. در کدام هنر می‌بینید که صحنه‌آرایی، لباس، امکانات، خوشنویسی، رنگ، نمایش و حرکت همه و همه در یک جا جمع شده باشد. دلیل ماندگاری تعزیه همین است. یعنی چه از جنبه اعتقادی و مذهبی و چه از جنبه هنری و دانشی کامل است. اما با بی‌مهری‌های زیادی در دوره‌های مختلف روبرو بوده است. یکی

از آنها اینکه تهران به عنوان ام‌القرای شیع، یا پایتخت تشیع در دنیا چند تکیه مخصوص تعزیه دارد؛ تعزیه را که در فضای باز یا در سالن تئاتر اجرایی کنند. تعزیه جایش در تکیه و حسینیه است. حالا در تهران چند تکیه با کاربری تعزیه داریم؟ تکیه‌های مهمی که برای تعزیه ساخته شده بودند همه و همه تغییر کاربری دادند و به حسینیه‌های سینه‌زنی و روضه‌خوانی اختصاص پیدا کردند. ۴۰ سال از جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد یک تکیه برای تعزیه ساخته نشده است در حالی که مساجد و حسینیه‌های زیادی احداث شده است. اما دریغ از یک تکیه در این ۴۰ سال! حتی تکیه‌های تهران قدیم مانند تکیه نیاورون، تکیه دولاب و ... تغییر کاربری داده‌اند.

متأسفانه ابزار لازم برای تعزیه فاخر در ایران خصوصاً در تهران وجود ندارد. با همه این ناملایمات و فشارها باز هم امسال تعزیه‌هایی در سطح تهران اجرا شد که خود من تعزیه خوان آن بودم. بار تعزیه روی دوش مردم کوچه بازار است نه دولت‌ها، مردم از جیب خود هزینه می‌کنند تا این هنر ماندگار بماند. با این اوصاف ببینید دولت برای سینه زنی و نوحه خوانی چقدر هزینه کرده است و در نتیجه چقدر مخاطب داشته است؟ در حالی که تعزیه با کمتر از این هزینه‌ها مخاطب بیشتری دارد. اگر از هر گوشه تهران طبل تعزیه به صدا در بیاید، بدون هیچ تبلیغاتی دو هزار آدم دور آن جمع می‌شوند. اگر سری به روستاها بزنید تکاپای مخصوصی هستند که اداره تعزیه به اختیار و دست خودشان بوده و با همان حال و هوای خوب حفظ شده است. بنابراین در تهران امکانات و زیرساخت تعزیه وجود ندارد. با این حال تعزیه همچنان پویا و مانا مسیر خود را ادامه می‌دهد. دولت و شوکت و منصب به کسان ارزانی/ از عناوین جهان، تعزیه خوان ما را بس.

مجید رحمتی (کارگردان تئاتر):

تعزیه نباید کارکرد موزه‌ای پیدا کند

روند تعزیه در چند سال اخیر با توجه به بانی‌های مختلفی که در شهرهای مختلف داشته است مانند اصفهان و تهران همچنان ادامه دارد. اتفاقات خوبی را به تازگی در تعزیه ایران شاهد هستیم که انگار تعزیه خوان و گروه‌های قدیمی خوب، به میدان آمدند تا این هنر را همچنان زنده نگه دارند. اما این مسئله نباید معطوف به ایام خاصی مانند دهه محرم شود! چرا که این مسئله باعث می‌شود به مرور زمان تعزیه کارکردی موزه‌ای پیدا کند. مشکل ما این است که به نمایش سنتی به شکل موزه‌ای نگاه می‌کنیم در حالی که باید برای تماشاگر امروزی ما این مسئله به عنوان یک نیاز طرح شود. نگاه موزه‌ای باعث می‌شود که کارکرد جامعه‌شناسی و به‌روزی نسبت به این هنر‌ها نداشته باشیم؛ هنرهایی مانند نقالی، پرده خوانی و نمایش روحی همه دچار این مسئله هستند که نیاز است با نگاهی دانش بنیان و تاریخی احیا شوند. آقای داوود فتحعلی بیگی ایده‌ای داشتند برای تاسیس مدرسه‌ای با نام نمایش‌های ایرانی که به صورت تخصصی به نمایش‌های ایرانی و شیوه‌های اجرایی در آن بیردازد که متأسفانه با این ایده همکاری نشد. در حال حاضر شاهدیم که در دانشگاه برای بچه‌های رشته تئاتر تنها ۲ واحد تعزیه در نظر گرفته شده است. در صورتی که شیوه‌های نمایشی ایرانی تعزیه بسیار بسیط‌تر و وسیع‌تر از این حرف‌ها هستند. اگر می‌بینیم که تماشاگران دور یک نقال یا یک شبیه خوان جمع می‌شوند، بخشی از آن به دلایل اسطوره‌ای و اعتقادی است، بخش عمده دیگر به خاطر شیوه‌های اجرایی جذاب این نمایش‌هاست. این مسئله که چرا در اواخر دوره صفویه این اجراها بسیار پر مخاطب و رونق داشته است، باید کانون این تحقیق و دانش قرار بگیرد.

همانطور که می‌دانید تعزیه در دوران صفویه اوج گرفت در دوران قاجار کامل‌تر شد در دوره پهلوی اول منسوخ شد و دوباره در دوره پهلوی دوم جانی دوباره گرفت، این اواخر مدتی بود که تعزیه به طور کامل دوباره از بین رفته بود اما اخیراً شاهد جرقه‌هایی هستیم که احتمالاً خبر از رونق دوباره آن را می‌دهد. منظوم اصلاً تعزیه‌ای که در جلوی تئاتر شهر و تالار وحدت اجرا می‌شود نیست! که در واقع نمایش‌های بدی از تعزیه بودند. متأسفانه عده‌ای بدون اینکه دغدغه مجلس خوب داشته باشند حمایت دولت را می‌گیرند و کار خود را تحت عنوان تعزیه اجرا می‌کنند. این‌ها تعزیه نیست و شکل و شمایل تعزیه را هم ندارد. اما اگر بخواهیم از تعزیه‌هایی خوب مثال بزنم می‌توانم از تعزیه قودجان خوانسار یا گروه‌هایی مانند گروه عباس صالحی، حمید صفری، محسن هاشمی و آقای خاتمی که بانی بزرگ تعزیه در خوانسار کاشان و اصفهان با ۵ هزار مخاطب هستند، یاد کنم.